

### صنعت بانکداری نوین و توسعه در ایران

محمد زمان محمدی رئیسی<sup>۱</sup>، سروش فتحی<sup>۲</sup>، حبیب الله کریمیان<sup>۳</sup>

#### چکیده

تلاش و کوشش انسان از بدو ورود به حیات فردی و اجتماعی تاکنون جهت تغییر و توسعه ساختار اقتصادی \_ اجتماعی و.. همواره تحولات و دگرگونی های متعددی را به خود دیده است و از منابع مختلف مادی و انسانی در جهت بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی اجتماعی استفاده نموده و هیچ فعالیتی در عرصه زندگی و جهان هستی، بدون استفاده از تفکر و برنامه ریزی در جهت استفاده از منابع مالی، مادی و امکان پذیر نبوده است. تغییرات و تحولات فکری انسان باعث ایجاد نهادهای مختلف مالی از جمله تمرکز بر منابع مادی انسانی اندک در قالب تاسیس بانک و بانکداری شده که استفاده از منابع جمع شده تحولات عظیمی در شاخص های ساختار اقتصادی \_ اجتماعی سیاسی محیطی و... جوامه را در پی داشته است که امروزه جهان را به دسته های مختلف توسعه یافته، صنعتی، فرا صنعتی، توسعه نیافته، جهان اول، جهان سوم و... تقسیم نموده است امروزه همه جوامع در تکاپوی رسیدن به هدف متعالی توسعه و توسعه پایدار هستند تا خود را در صف مقدم صنعتی قرار دهند. مقاله حاضر با هدف تاثیر صنعت بانکداری نوین در توسعه جامعه ایرانی با روش اسنادی انجام شده است. نتایج بدست آمده نشان از تحولات بنیادین در زیر ساخت بانکداری کشور و اثر آن مستقیم و یا غیر مستقیم با متغیرهای واسطه در شاخص های توسعه (اقتصادی، اجتماعی) ملموس است.

**واژگان کلیدی:** صنعت بانکداری، توسعه، توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: m.z.m.raeesi@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشیار جامعه شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: fathi.soroush@gmail.com)

<sup>۳</sup> استادیار جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (Email: habibkarimian@yahoo.com)

## مقدمه

فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران حدوداً از اوایل قرن نوزده میلادی آغاز گردید. این فرآیند عمدتاً تحت تأثیر شرایط و ساز و کارهای های بیرون از جامعه شکل گرفت. از این رو در این دوره و دوره های بعد نوعی توسعه ی پیرامونی در این جامعه شکل می گیرد که ماهیتاً با ساختار توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع غربی متفاوت است. این در حالی است که «عامل مشخصه شکل های توسعه در جامعه انسانی و فصل تعیین کننده طیف ها و شکل بندی های اجتماعی - اقتصادی در جوامع انسانی، همان عامل دانش فنی و فنآوری است، و دستیابی به توسعه پایدار، موزون و انسانی، با پیدایش و گسترش دانش فنی و فنآوری درون زا، درون جوش و خود پویا امکان پذیر است.» (سیف الهی، ۱۳۸۱، ص ۴۵-۴۴). به این ترتیب ایران بدون آنکه رشد و تکامل در زیر ساخت فنی جامعه را تجربه کرده باشد، متحمل روندی از تغییرات در قالب به کاربری شتابزده ی برخی عناصر وارداتی در نظام اقتصادی - اجتماعی خود می گردد. عناصر مذکور که ریشه در بستر کشورهای مرکز داشتند، منطقی از ماهیتی همسان با ساختارهای پدید آورنده ی خود برخوردار بودند. ساختارهای ماقبل سرمایه داری حاکم در ایران با بسیاری از عناصر وارداتی این جامعه در تناقض بودند. این مسأله موجب شده که فرهنگ این جامعه چه به لحاظ ساختارهای کلان و چه به لحاظ روابط و مناسبات سطوح خرد و میانی، متحمل پدیده های ناهمگون و بعضاً متضاد گردد. یکی از اساسی ترین پیامدهای این توسعه ی پیرامونی، ناهمگونی، ناموزونی و ناپایداری در روند و فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران است. توسعه باور بنیادین دنیای مدرن است. پیشرفت از مدت ها پیش به عنوان نماد عصر ما مطرح شده است. در توسعه، تمامی پیشرفت های مدرن در علم، فن آوری، دموکراسی، ارزش ها، اخلاق و سازمان های اجتماعی با طرح بشردوستانه ایجاد دنیایی به مراتب بهتر درمی آمیزند. توسعه در مفهوم قوی خود، به معنای استفاده از منابع تولید جامعه جهت بهبود شرایط زندگی فقیرترین افراد است. و در معنای ضعیف خود به معنای سهم بیشتر از همه چیز برای تمامی افراد در چارچوب بیشترین سهم برای عده ای انگشت شمار (از کیا، ۱۳۸۹: ۱۶). به طور کلی توسعه فرآیندی است که طی آن جامعه از یک دوره تاریخی به دوره جدیدی منتقل می شود. این فرآیند در هر مرحله از رشد ابعاد مختلف زندگی را متحول می سازد. با این ترتیب توسعه مفهومی است ارزشی که همراه با فرض های هنجاری از الگوی انتزاعی جامعه دلالت دارد. (فروزان، ۱۳۹۰، ۴). توسعه یافتگی هدف بزرگی است که بالاترین درجات هماهنگی و همسویی را می طلبد. مکان اصلی این انطباق، اندیشه و تفکر است. به سخن دیگر یکی از اصول ثابت متدولوژیک توسعه صنعتی، همسویی و انطباق اندیشه های افراد یک جامعه است به گونه ای که بتوان به آن چارچوبی منسجم داد.

اسملسر توسعه را فرآیندی از تمایز می داند که با ظهور شکل های جدیدی از یگانگی همراه است. او استدلال می کند که جریان توسعه و فرآیند تمایز و یگانگی، پیوستاری بدون انقطاع نیست، بلکه همواره گسستگی هایی در کار است که موجب بروز اغتشاش های اجتماعی می شود. تعبیر اسملسر از گسستگی ها کلی و ناظر بر همه نابسامانی هایی است که به طور پیوسته تأخیرها و اختلال هایی را در سرعت حرکت جامعه به سوی هدف های انتخاب شده موجب می شوند. (اسملسر، ۱۹۶۳). یکی از مؤلفه های نابرابری و ناهمگونی در فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران، توزیع نابرابر زیر ساخت ها و مؤلفه های توسعه ای میان مناطق مختلف کشور است. طی روند و فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران، مناطق گوناگون جغرافیایی و منطقه ای از رشد و توسعه ی همگونی برخوردار نبوده اند. به عبارت دیگر برنامه ها و طرح های نوسازی و توسعه از توزیعی برابر و همگون میان مناطق مختلف و نیز میان شهرها و روستاها برخوردار نبوده اند. همان گونه که ذکر شد، رویکرد محوری این بحث آن است که سبک زندگی، جهان بینی، نگرش و انتظارات افراد نسبت به زندگی شان، شرایط ساختاری جامعه تأثیر می پذیرد. به عبارت دقیق تر انتظار می رود ناهمگونی های ساختاری موجود در سطوح کلان و عینی جامعه، سطوح خرد و ذهنی این نظام اجتماعی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده باشد. از این لحاظ جامعه موجد طیف وسیعی از نیروهای انسانی با ویژگی های ناهمگون و بعضاً متناقض شده است. توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهاد های ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش

نابرابری و ریشه کن کردن فقر دانست. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواست های افراد و گروه های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع و حالی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق یابد (از کیا، ۱۳۹۰). با توجه به تعریف فوق مفهوم توسعه با توجه به دو متغیر اجتماعی و اقتصادی استوار است که در جستجوی بهبود رفاه مادی و اجتماعی مردم در سطوح جامعه است از این رو امروزه اهدافی که برای توسعه در نظر گرفته می شود، اهدافی صرفاً اقتصادی نیست و به جرأت می توان گفت که دیگر هیچ نظریه پرداز اجتماعی بر تک بعدی بودن توسعه تأکید ندارد و هر هدفی که برای توسعه در نظر گرفته می شود هدف های اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر خواهد داشت. بنابراین نقطه ای که امروزه بحث های توسعه بدانجا رسیده اند این است که توسعه پدیده ای چندوجهی است و زمانی تحقق خواهد یافت که کلیه وجوه اقتصادی و اجتماعی همراه با یکدیگر و روبه جلو در حال تحول باشند. از آنجا که پژوهش حاضر می خواهد بر دو متغیر مهم توسعه بپردازد.

در جهان امروز تکنولوژی و نوآوریهای تکنولوژیکی، مهمترین منبع برای خلق ثروت و رشد اقتصادی به شمار می روند. توسعه سریع در تکنولوژی، اگر به طور مناسب و به موقع باشد، به توسعه اقتصادی یک کشور کمک می کند. کشوری که در استفاده از تکنولوژیهای جدید، شکست می خورد و یا حتی در پیاده سازی آنها تاخیر میکند، در پشت سردیگران قرار می گیرد. اقتصاد جدید تحت تاثیر انقلاب الکترونیکی، کامپیوترها، شبکه های کامپیوتری و توسعه اینترنت قرار گرفته است.

تجارت الکترونیکی طی دو دهه گذشته در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه رشد فزاینده ای داشته است. تجارت الکترونیکی موجود احتیاج به نظام پرداخت الکترونیکی پیشرفته دارد. بانکداری الکترونیکی از زمانی که مسئله تجارت الکترونیک مطرح گردید دارای اهمیت ویژه ای شده است. لذا بانکداری الکترونیکی بزرگترین تحول در نظامهای بانکی است. نیازهای امروز جامعه با توجه به تجارت الکترونیکی در جهان که تمامی کشورهای صاحب فناوری از آن استفاده می کنند وجود بانکداری الکترونیکی و شیوه های پرداخت الکترونیکی را طلب می کند. تداوم حیات و پویایی بانکها و سایر موسسات پولی و مالی مشروط به در اختیار گرفتن فناوریهای ارتباطی و رایانه ای متناسب و هماهنگ با نیازهای مشتریان و زمان است. بدیهی است که در دنیای انفورماتیک بر خورداری از انواع خدمات بانکی بدون مراجعه حضوری به شعب بانکها امکانپذیر شده است بطوریکه تنها با استفاده از خطوط پر سرعت مخابراتی به بانکها متصل شده و با اشاره چند کلید می توان پول از حساب خود دریافت نموده و یا به هر بانکی در هر کشوری منتقل نمود.

همانگونه که با ظهور تجارت الکترونیک فرآیندهای صنعتی تغییر کرده اند، صنعت بانکداری نیز به نوبه خود متحول شده است. با نگاهی به تجارب کشورهای پیشرفته و رشد خدمات بانکداری الکترونیک در این کشورها، می توان نیازهای در حال شکل گیری در زمینه خدمات بانکی را مشاهده نمود. فن آوری اطلاعات و ارتباطات به صنعت بانکداری شکل منعطف و متحولی بخشیده و آنرا مجبور به ترک قیدها و مقررات کهنه نموده است (صادقی، ۱۳۸۳، ۴۲). توسعه فن آوری اطلاعات آثار و تبعات مثبتی در عرصه های مختلف اقتصادی و جوامع بهره بردار از این فن آوری ها گذاشته است. تجارت نوین نیازمند ابزارها و زیرساخت های مناسبی برای گسترش فرآیندهای اقتصادی است. یکی از مهمترین شاخص هادر مرادوات تجاری، بانک ها هستند. بانک های با برقراری ارتباطات تنگاتنگ و نزدیک با مردم نقش کلیدی را در عرصه تجارت را بازی می کنند و به همین دلیل همیشه در تلاش هستند تا برای پیشی گرفتن از رقیبان خدمات خود را در ابعاد کمی و کیفی گسترش دهند (حسینی و همکاران ۱۳۸۷). امروزه بدون شک فناوری اطلاعات و ارتباطات در صنعت نوین بانکداری جزء ساختار اصلی توسعه هر کشور است. مبادلات کالا، داد و ستد و عرصه تجارت از طریق اینترنت پیچیدگی زیادی پیدا کرده است. امروزه میلیون ها سایت با انبوهی از محصولات، خدمات و اطلاعات، در انتظار بازدید کنندگان از سایت نشسته اند. طبیعت پویا و انعطاف پذیر این رسانه با قابلیت دسترسی نامحدود به آن، تعداد زیادی از مشاغل و حرفه ها را به چالش طلبیده است. توسعه بسیاری از کشورها در سالهای اخیر مدیون گسترش ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی است.

گواه این امر تجارب کشورهای چون فیلیپین، مالزی و هند در جنوب شرق آسیا می باشد. ICT همانند بسیاری از تحولات و نوآوریهای مختلف در جوامع کشورهای پیشرفته به مراتب با سرعتی بیشتر گسترش یافته تا جاییکه مفهوم و دامنه سواد و دانش را نیز دستخوش تحول نموده است

امروزه میان تکنولوژی، ثروت و قدرت رابطه ای انکارناشدنی و تنگاتنگ به چشم میخورد، از بارزترین تحولات تکنولوژیکی این عصر فرآورده های اطلاعاتی و ارتباطی است که از آن تحت عنوان انقلاب ICT نیز نام برده می شود. بدین ترتیب ICT به عنوان پدیده ای جامع و فراگیر در طیف کامل فعالیتهای بشری از کاربردهای شخصی گرفته تا فعالیتهای اقتصادی و سیاسی تاثیرگذار است. چراکه به عنوان ابزاری چندمنظوره، انعطاف پذیر و دارای قابلیتهای متعدد در نظر گرفته میشود که امکان راه حل های مناسب را در قالب کاربردهای فردی یا محلی، جهت تامین نیازهای مختلف فراهم می آورد (UNDP, 1384: 24).

بنابراین تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی هم به دلیل ویژگی های "لاینفکی که دارد و هم بخاطر وجود مدارک تجربی که حاکی از مشارکت زیاد آن در تحقق اهداف توسعه است. می تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در امر توسعه به کار گرفته شود. ICT می تواند در سطوح خرد و کلان کشور مورد استفاده قرار گیرد و به افزایش کارایی و مشارکت در توسعه، ارتقا و بهبود شیوه حکومتی و کاهش هزینه ارائه خدمات منجر شود. علاوه بر این، ICT این توان بالقوه را دارد که در صورت بکارگیری مناسب، نقش با ثباتی در تسریع توسعه و پویایی اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه ایفا نماید" (UNDP, 1384: 23).

عاملان اصلی توسعه را باید در وجود دو عامل انسان و فن آوری<sup>۱</sup> دانست. دقیق و شفاف تر اینکه، عامل مشخصه شکل های توسعه در جامعه انسانی و فصل تعیین کننده طیف ها و شکل بندی های اجتماعی - اقتصادی در جوامع انسانی همان عامل فن آوری است. امروزه، این عامل به عنوان سرمایه شناخته می شود. سرمایه به مفهوم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی در کنار سرمایه اجتماعی، از عوامل اصلی توسعه محسوب می گردد و توجه به انباشت آنها به ویژه سرمایه انسانی است که اهداف رشد و توسعه را تحقق می بخشد. دستیابی به توسعه پایدار، موزون و انسانی، با پیدایش و گسترش سرمایه انسانی درون زاء، درون جوش و خودپویا امکان پذیر است. تأمین سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت های آموزشی است. هر سرمایه گذاری آموزشی، از یک سو قابلیت های نیروی انسانی را ارتقاء می بخشد و از سوی دیگر، نیروی کار را برای استفاده بهتر از فن آوری جدید تولید مهیا می سازد و به این ترتیب راه رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را برای کشورها هموار می کند.

دگرگونیهای جهان به واسطه تکنولوژی و فناوری اطلاعات، اینترنت و به تبع آن تجارت الکترونیک که آن نیز به نوبه خود از فناوری اطلاعات مشتق می شود، تحول ژرف و عمیقی در ارتباطات و فرآیند انتقال اطلاعات ایجاد کرده است. به طوری که در حال حاضر افراد می توانند بدون حضور فیزیکی در محل کار خود و تنها با استفاده از یک رایانه شخصی و یک مودم، کار خود را در محیط خانه انجام دهند و این عوامل، زمینه ای را برای تسهیل انجام امور تجاری ایجاد نموده که منجر به افزایش رقابت بین شرکتها شده است. میزان این رقابت به حدی است که اگر شرکتی نسبت به شرکت دیگر مزیت رقابتی کمتری داشته باشد به ناچار باید صحنه را ترک نماید. بانک ها نیز به عنوان موسساتی که در حوزه های پولی و مالی فعالیت می کنند از این امر مستثنی نبوده و در انجام امور خود به ویژه بهره گیری از تکنولوژی بانکداری الکترونیک باعث دستیابی به فرصت های بالقوه بازار شده اند

### ملاحظات نظری

مرکز توسعه ای منطقه ای سازمان ملل متحد، توسعه اجتماعی را تدارک خدمات مورد نیاز شهروندان می داند و بر بهبود کیفیت زندگی مردمان از راه تأمین آموزش، کار، بهداشت، مسکن، رفاه اجتماعی اصلاحات ارضی، توسعه محلی، ایمنی در برابر آسیب های طبیعی، توجه به بخش های گوناگون جامعه از جمله زنان و کودکان و ... تأکید می کند (مرکز توسعه منطقه ای سازمان ملل متحد، ۱۹۸۸).

<sup>۱</sup> Technology

گروه کاری توسعه اجتماعی بانک جهانی مفهوم توسعه اجتماعی از دو دیدگاه معنای مثبت و هنجاری مطرح می کند به طوری که در معنای مثبت: توسعه اجتماعی به زبانی ساده به شرایط زندگی مردم از جمله: سطح آموزش، کیفیت زندگی و ثبات کیفیت روابط و نهادی برمی گردد. در معنای هنجاری: توسعه اجتماعی اشاره ضمنی به اهداف اجتماعی دارد برای مثال در نشست جهانی برای توسعه اجتماعی کشورها در بیانیه نهایی خود بر حمایت از سرمایه گذاری در کاهش فقر، توسعه منابع انسانی، اشتغال زایی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، خشونت زدایی و برابری تأکید ورزیدند.

نظریه پردازان رفاه گرا، به اصل کلی توسعه اجتماعی در حرکت به سوی کیفیت زندگی بهتر معتقدند. از دیدگاه وارنر (۱۹۵۸) توسعه اجتماعی شامل: امکانات زندگی برای مردم جامعه است. ماکس وبر ارتباط میان توسعه اجتماعی با شانس زندگی را تبیین نموده و از نظر او شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب تر و تجربیات زندگی شخصی بهتر (شمعدانی حق، ۱۳۸۷).

دونگ کیم، توسعه اجتماعی را درجه ای از ساختار اجتماعی می داند که به اکثریت مردم محروم جامعه، علاوه بر اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی، در جهت رسیدن به آن هدف نیز آنها را یاری می نماید. وی معتقد است که تغییری ساختاری جامعه بایستی در مسیری باشد که فرصت های لازم برای دستیابی توده محروم به سهم خود از منابع ملی در اختیار آنها قرار دهد. این مسیر، یک مسیر فرایند توسعه است. فرایند توسعه اجتماعی از دیدگاه این رهیافت، فرایندی در جامعه عاری از استعمار و استثمار خارجی است (نظری، ۱۳۷۷).

استیویس از توسعه اجتماعی به عنوان فرایند تحقق نیازهای اساسی مردم دستیابی به توزیع عادلانه ثروت به دست آمده در نتیجه رشد اقتصادی ایجاد سرمایه انسانی و اجتماعی، گسترش دامنه فرصت های افراد جوامع، ترویج عدالت اجتماعی، و فرصت های برابر و از بین بردن فقر یاد می کند. هدف اصلی توسعه اجتماعی، ارتقای سطح زندگی افراد و کیفیت زندگی مردم است؛ به عبارت دیگر هدف اولیه برنامه های توسعه بایستی تأمین سریع احتیاجات اولیه و نیازهای اساسی مردم جامعه باشد تا بتوانند با تداوم بخشیدن به زندگی بهتر و پیشرفته تر، گام های مثبتی در توسعه همه جانبه بردارند. بر این اساس عمدتاً شاخص های ارزیابی توسعه اجتماعی عبارتند از: بهداشت و درمان، مسکن، آموزش، اشتغال، رشد جمعیت، توزیع درآمد و تأمین اجتماعی (موسایی، ۱۳۸۸).

پیتر دونالدسن در تعریف توسعه می گوید که: توسعه به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی گرایش ها و نهادها برای تحقق کامل هدف های جامعه است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۶).

میسرا محقق و صاحب نظر هندی نیز تعریفی از توسعه ارائه داده است که در آن بر ابعاد فرهنگی تأکید شده است. به نظر او توسعه از دستاوردهای بشر بوده است و پدیده ای با ابعاد مختلف است. توسعه دستاور انسان محسوب می شود و در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است. هدف از توسعه ایجاد زندگی پرثمری است که توسط فرهنگ تعریف می شود. به این ترتیب می توان گفت که توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش های فرهنگی خود است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۶).

موضوع توسعه اجتماعی در دیدگاه ها و اغلب آثار صاحب نظران جامعه شناسی کلاسیک و معاصر به طور ضمنی یا صریح مطرح شده است. دور کیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی جوامع را به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم می کند. جوامع سنتی دارای تقسیم کار ساده مبتنی بر معیارهای محول چون سن، جنس و نظم اجتماعی مبتنی بر تشابه پذیری از نظر وجدان جمعی است. این وجدان جمعی غالباً رنگ مذهبی دارد. ولی جوامع مدرن دارای تقسیم کار گسترده و عمیق مبتنی بر تفاوت پذیری است. در این نوع جوامع، نهادهای مدنی و اخلاق مدنی به عنوان شاخص های توسعه اجتماعی جایگاه و اهمیت بسیار قابل توجهی پیدا می کنند (عبداللهی، ۱۳۹۶).

صاحب نظران معاصر هم روی برخی از شاخص های توسعه اجتماعی تأکید کرده اند. پارسونز، اجتماع جامعه و مورن، هویت انسانی و بوردیو، کنش اجتماعی و دارندروف، انسان اجتماعی و هابرماس، گستره همگجانی، ارتباطات اجتماعی عقلانیت ارتباطی و گیدنز،

هویت شخصی و سرمایه اجتماعی و کرایب، تجربه هویت و جنکینز، هویت اجتماعی و بورک اعتماد، تعهد عزت نفس را مطرح کرده اند (عبداللهی، ۱۳۹۶).

به اعتقاد هگن، مهمترین عامل رشد و توسعه اقتصادی، خلاقیت و نوآوری افراد و تاثیر و اهمیت گروهی از افراد جامعه است که آن ها را رهبران نوآوری ها و ابتکارات می نامد. و اهمیت آن ها از سایر عوامل توسعه بیشتر است. عناصر روانی تشکیل دهنده شخصیت خلاق و مبتکر به عقیده هگن، عبارتند از: نیاز به دستاورد، تمایل به استقلال فکری و فردی و تمایل به نظم و ترتیب و نگرش کلی مبتنی بر این که جهان و پدیده های اجتماعی قابل درک و شناخت هستند.

وی سایر خصوصیات جوامع سنتی را عبارت می داند از:

الف - ساختار اجتماعی استبدادی و سلسله مراتبی در تمامی جوانب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی.

ب - موروش بودن پایگاه و موقعیت اجتماعی افراد

ج - ثبات و ایستایی اجتماعی

او این امور را مانع شکوفایی خلاقیت و استعداد افراد جامعه می داند و معتقد است در جامعه سنتی تا زمانی که گروهی از افراد پایگاه اجتماعی خود را، که سبب جدایی آن ها از فرهنگ سنتی حاکم و ایجاد نارضایتی و از هم پاشیدگی ارزش ها و معیار های فرهنگی سنتی حاکم بر گروه است، از دست ندهند، تغییر و تحول ایجاد نمی شود. (حریری اکبری، ۱۳۷۸)

### پل روزنشتاین رودان<sup>۱</sup>

روزنشتاین رودان بحث کشورهای کم توسعه یافته را برای تحلیل فرایند رشد نامتعادل به کار می گیرد. به نظر وی، این کشورها باید در مسیر رشد اقتصادی درونزا قرار گیرند. شرط لازم ولی نه کافی برای موفقیت، وجود میزان حداقل منابع برای سرمایه گذاری است. یان سرمایه گذاری باید در روستاها صورت گیرد که بسیار توسعه نیافته اند و مشکل مازاد جمعیت دارند. مهمترین راه حل توسعه اقتصادی در مناطق عقب افتاده همین است.

به نظر روزنشتاین رودان، بیکاری پنهان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد. مضافاً اینکه در این کشورها می توان بیکاری های برخوردی و همچنین کم اشتغالی فصلی را نیز مشاهده کرد. برای مقابله با بیکاریها باید سرمایه گذاری برنامه ای کرد. در چنین کشورهایی وجود برنامه برای تنظیم سرمایه گذاری ضروری است. باید دید چه سرمایه گذاری های در گذشته و حال انجام گرفته و در آینده باید چگونه انجام گیرد. برنامه ریزی های توسعه باید از ساز و کار بازار استفاده کند، ولی در سلطه آنها نباشد. در مورد سرمایه گذاری ها به علت ضعف کشورهای کم توسعه، باید کمک های بین المللی تا آن حد ادامه یابد که دست یافتن به یک میزان رشد مطلوب و درونزا را میسر کند.

در رشد مطلوب و درونزا، باید اختلاف بین دستمزدهای شهری و روستایی کاهش یابد. برای این منظور یک تجدید سازمان اساسی در کشاورزی لازم است. به منظور کاهش نابرابری میان شاغلان و بیکاران، قایل شدن حق اشتغال برای افراد جامعه حداقل چیزی است که جوامع امروزی با عنوان برابری فرصت ها باید برای مردم فراهم آورند. اشتغال کامل، هدفی است که نمی شود آن را با هدف های دیگری جبران و یا جایگزین کرد. ولی در اکثر کشورهای در حال توسعه، هنوز راه حل در دسترس نیست. به منظور فراهم آوردن فعالیت های کافی صنعتی برای جذب تعداد کنونی و فزاینده بیکاران، دستیابی به رشد اقتصادی بالا ضرورت دارد. اشتغال کامل و دستیابی به تسهیلات آموزشی، بدون شک اساس ترین شرط فراهم آوردن برابری فرصت ها در سطح حداقل آن است.

برای روزنشتاین رودان برنامه ریزی در توسعه بسیار با اهمیت است. در امر توسعه هدف های گوناگونی نظیر رشد، اشتغال و توزیع بهتر درآمد مدنظر است. رشد فقط وسیله ای برای دسترسی به سایر هدف هاست. فعالیت های توسعه اکنون در سطوح پایینی جریان دارد و انتقال منابع مالی و فن آوری به کشورهای در حال توسعه دارای وضع نامیدکننده ای است. کشورهای توسعه یافته روز به روز از میزان

<sup>1</sup> Paul Rozenstian Rodan (1943)

کمک‌های خود به توسعه کشورهای کم توسعه می‌کاهد. این در حالی است که دوران پس از جنگ جهانی دوم سرشار از پیروزیها برای کشورهای کم توسعه بوده است (افزایش متوسط طول عمر، کاهش مرگ و میر). اگر کمک‌های بین‌المللی وجود نمی‌داشت شاید وضع کشورهای در حال توسعه از وضعیت کنونی اسف‌بارتر بود. پس آنچه امروز لازم و ضروری به نظر می‌رسد، یک همبستگی بین‌المللی است (لهسای زاده، عبدالعلی، ۱۳۸۷، ص ۳۱-۳۰).

#### نیل اسملسر<sup>۱</sup>

به نظر اسملسر، توسعه اقتصادی یکی از جنبه‌های تغییر اجتماعی است و معتقد است که نوسازی مترادف با رشد و توسعه اقتصادی به کار می‌رود، ولی دارای معنای مفهومی وسیع‌تری از رشد و توسعه اقتصادی است. به نظر او نوسازی ناظر به این نکته است که تغییرات فنی، اقتصادی و بوم‌شناختی همه رشته‌هایی هستند که از درون کلیت جامعه و فرهنگ سربرمی‌کشند. در میان یک ملت نوظهور می‌توانیم شاهد تغییراتی در قلمروهای زیر باشیم:

- در قلمرو سیاست، نظام‌های اقتدار قبیله‌ای و دهکده‌ای جای خود را به نظام‌های اخذ آرای عمومی، احزاب سیاسی، نمایندگی و دستگاه‌های اداری کشور می‌دهند.
- در قلمرو دین، جانشینی نظام‌های معتقدات دنیوی به جای دین‌های قدیمی آغاز می‌شود.
- در قلمرو خانواده، واحدهای وسیع خویشاوندی گسترده‌گی خود را از دست می‌دهند.
- از نظر طبقاتی، تحرک جغرافیایی و اجتماعی، نظام‌های ثابت سلسله مراتب را سست می‌کند. (وینرف مایرون، ۱۳۵۴، ص ۹۶).

تغییراتی که در این قلمروها حادث می‌شود به صورت همزمان و هماهنگ نیست و نوعی تأخر و تقدم در جریان نوسازی محقق می‌شود که جوامع را از آن حرکت‌های با نقشه و منظم به دور می‌سازد و به این دلیل هم هست که جوامع در حال گذار همیشه دچار نوعی بحران و نابسامانی هستند که وضعیت آنها را اسملسر چنین ترسیم می‌کند. «جامعه در حال توسعه را می‌توان به حیوان عظیم‌الجثه و بی‌قواره‌ای تشبیه کرد که با تکان دادن هریک از اعضایش پیش می‌رود، اما اعضای خود را گاه نسبتاً هماهنگ و گاه برخلاف یکدیگر تکان می‌دهد (همان، ص ۶). اسملسر علیرغم تفاوت مفهومی که میان نوسازی و توسعه اقتصادی قایل است، این دو مفهوم را مترادف با یکدیگر می‌گیرد. در خصوص رشد و توسعه اقتصادی معتقد است که موضوع ساده نیست و جریان رشد و توسعه اقتصادی رابا توجه به چهار زمینه تکنولوژی، کشاورزی، صنعت و بوم‌شناسی توضیح می‌دهد. به نظر او در پویا شدن و توسعه اقتصادی تحولات زیر در این چهار زمینه حادث می‌شود:

- ✓ در زمینه تکنولوژی، فنون ساده و سنتی جای خود را به فنون علمی می‌دهند.
- ✓ در زمینه کشاورزی، زراعت معیشتی تبدیل به زراعت تجاری و مکانیزه می‌شود.
- ✓ در زمینه صنعت، انرژی حاصل از بازوی انسان و حیوان جای خود را به انرژی ماشینی و کارخانه‌ای می‌دهد.
- ✓ و در زمینه بوم‌شناسی، حرکت جمعیت و نیروی انسانی را از مزارع و روستاها به طرف شهرها داریم (وینرف مایرون، ۱۳۵۴، ص ۹۵).

به نظر اسملسر با تحقق فرایند نوسازی از لحاظ اجتماعی و جامعه‌شناختی شاهد تغییر و تحول در حوزه‌های روابط کار، روابط خانوادگی و روابط اجتماعی و جمعی هستیم. به عقیده اسملسر تمامی جوامع در جریان گذارشان از مرحله توسعه نیافتگی به مرحله توسعه یافتگی باید دو تحول زیر را در خود محقق سازند:

اولاً، تمایزات ساختی باید در آنها محقق شود.

ثانیاً، یک نوع هماهنگی کارکردی را نیز که به واسطه آن ساخت‌های متمایز شده را وحدت بخشد، باید تجربه کنند.

<sup>1</sup> Neil J. Smelser

نکته شایان توجه در نظریه اسملسر این است که او به بحران‌ها و تنش‌هایی که در طی فرآیند نوسازی در کشورهای در حال توسعه به وجود می‌آید، نیز توجه دارد و جریان نوسازی را به عنوان یک جریان برهم‌زننده نظم اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد. این بی‌نظمی به نظر اسملسر ناشی از موارد زیر است:

- ✓ تغییر ساخت جوامع سنتی یک تغییر یکسان و هماهنگ نیست.
- ✓ توسعه انواع جدید فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با روش‌های زندگانی قدیمی تعارض پیدا می‌کند.
- ✓ کاربرد قدرت متمرکز با قدرت‌های محلی، کاستی، منطقه‌ای و سایر انواع اقتدار سنتی نمی‌تواند در کوتاه‌مدت به استقرار خود تثبیت لازم را ببخشد (وینرف مایرون، ۱۳۵۴، ص ۳۶)

### پیشرفت روش‌های فنی تولید

به نظر شومپیتر تحول دانش فنی هسته مرکزی رشد و توسعه اقتصادی است. به نظر او افزایش بطنی و مستمر وسایل تولید و پس‌انداز ملی در طی زمان، بدون تردید یکی از عوامل مهم توجیه تاریخ اقتصادی در طی قرن‌هاست. اما این عامل تحت‌الشعاع این حقیقت قرار دارد که پیشرفت اقتصادی، بیشتر مرهون اتخاذ روش‌های جدید برای بهره‌برداری از منابع موجود و ساختن چیزهای جدید است و ربطی به کم یا زیاد شدن وسایل تولید و پس‌انداز ندارد. بنابراین شومپیتر به ابداعات و اختراعات توسعه‌ای که دانش فنی بر اثر آنها پیدا می‌شود توجه زیادی کرده است. او بین ابداع و اختراع تفاوت قایل است. چون اختراع را عبارت از کشف تکنیک جدید و ابداع را به کاربردن اختراع در فرآیند تولید می‌داند. اختراع را کار مخترعان و ابداع را وظیفه کارفرمایان می‌داند.

البته این نظر که پیشرفت‌های فنی یکی از عوامل مستقل تولید و تأمین‌کننده رشد و توسعه اقتصادی است، از سوی بعضی از اقتصاددانان مانند کالدور<sup>۱</sup> رد شده است. کالدور معتقد است که پیشرفت‌های فنی به طور مستقل در جریان رشد و توسعه اثر نمی‌گذارد، بلکه خواه‌ناخواه در عامل سرمایه منعکس می‌شود. همچنین پیشرفت روش فنی تولید، بدون داشتن نیروی کار تعلیم دیده برای اجرای آن، اثر چندانی نخواهد داشت. (همان، ص ۲۲۴-۲۲۵)

### اورت راجرز<sup>۲</sup>

نظریه راجرز که همان نظریه اشاعه نوآوری است، مبتنی بر تحقیقی است که در پنج دهکده در کلمبیا انجام داده است و بر اساس آن نوسازی جامعه یک روند چند جانبه است. نوسازی نوعی از تغییر اجتماعی است (از شکل سنتی به شکل متحول و پیشرفته‌ای از فناوری) که طی آن عقاید نوین در نظام اجتماعی ایجاد می‌شوند تا از طریق به کارگیری روش‌های جدید تولید، اصلاح و بهسازی سازمان‌های اجتماعی، و افزایش سطح زندگی و درآمد سرانه، توسعه همه جانبه ایجاد شود. راجرز بحث خرده فرهنگ روستایی را در مقوله نوسازی مطرح نموده است. وی بر این عقیده است که عمده ترین موانع نوسازی و توسعه از شیوه زندگی و فرهنگ روستائیان مایه می‌گیرد و عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجه نظر‌ها در قالب خرده فرهنگ دهقانی، مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع روستایی می‌شوند. این عناصر عبارتند از: ۱- عدم اعتقاد متقابل در روابط شخصی ۲- فقدان نوآوری ۳- تقدیرگرایی ۴- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات ۵- عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آتی ۶- عدم توجه به عنصر و اهمیت زمان ۷- خانواده‌گرایی ۸- محلی‌گرایی ۹- فقدان همدلی (صیامی، ۱۳۸۱)

همچنین بر اساس نظریه راجرز، باید به مسائل ارتباط جمعی نقش محوری داد زیرا رسانه‌های همگانی وسیله تبادل اطلاعات و افکار تلقی می‌شوند که کلیه عوامل برای نوسازی و توسعه را در بر می‌گیرند. (حریری اکبری، ۱۳۷۸)

امروزه میان تکنولوژی، ثروت و قدرت رابطه‌ای انکارناشدنی و تنگاتنگ به چشم می‌خورد، از بارزترین تحولات تکنولوژیکی این عصر فرآورده‌های اطلاعاتی و ارتباطی است که از آن تحت عنوان انقلاب ICT نیز نام برده می‌شود. بدین ترتیب ICT به عنوان

<sup>1</sup> Kaldor

<sup>2</sup> Evert Rojers



پدیده ای جامع و فراگیر در طیف کامل فعالیتهای بشری از کاربردهای شخصی گرفته تا فعالیتهای اقتصادی و سیاسی تاثیر گذار است. چراکه به عنوان ابزاری چند منظوره، انعطاف پذیر و دارای قابلیتهای متعدد در نظر گرفته میشود که امکان راه حلهای مناسب را در قالب کاربردهای فردی یا محلی، جهت تامین نیازهای مختلف فراهم می آورد (UNDP, 1384:24).

توسعه بسیاری از کشورها در سالهای اخیر مدیون گسترش ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی است. گواه این امر تجارب کشورهایی چون فیلیپین، مالزی و هند در جنوب شرق آسیا می باشد. ICT همانند بسیاری از تحولات و نوآوریهای مختلف در جوامع شهری کشورهای پیشرفته به مراتب با سرعتی بیشتر گسترش یافته تا جاییکه مفهوم و دامنه سواد و دانش را نیز دستخوش تحول نموده است (از کیا، ۱۳۸۷: ۴۰۴).

روند رو به رشد استفاده از فرآورده های تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی با سرعتی غیر قابل باور جوامع توسعه یافته را در هم نوردیده است و تشعشعات آن به دیگر کشورها نیز ساطع شده است و ضمن برانگیختن حساسیت دولتمردان و متخصصان امر، آنرا به موضوعی با اهمیت در گستره جهانی تبدیل نموده است. چنانکه کستلز نیز بیان داشته است "روند کنونی تحول تکنولوژیک به دلیل توانایی اش در ایجاد فصل مشترک بین عرصه های تکنولوژی از طریق زبان مشترک دیجیتال که در آن اطلاعات تولید، ذخیره، بازیابی، پردازش و منتقل می شود با شتاب فراوان گسترش می یابد. ما در جهانی زندگی می کنیم که به تعبیر نیکلاس نگروپونته دیجیتال شده است" (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۵).

آنچه مهم است فراگیر و متمر ثمر بودن ICTs و استفاده از این تکنولوژی نوین در جهت حرکت به سمت توسعه و یا توسعه یافتگی بیشتر است. چرا که میتواند با جدا نمودن محتویات از محل فیزیکی شان به توزیع اطلاعات و دانش کمک نماید چنانچه امروزه کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه نیافته و محجور با اتصال به شبکه های جهانی میتوانند یکپارچه شوند. بطور ثوریکمی می تواند امکان دسترسی کلیه آحاد بشر به اطلاعات، دانش و فرهنگ را فراهم سازد.

## مفاهیم اساسی

### توسعه

توسعه (Development)، یکی از بحث های فراگیری است که در چند دهه اخیر در حوزه های گوناگون وارد شده است. از نظر واژه شناسی «Development» یکی از واژه یی است که از واژه «Enveloppe» گرفته شده است. «Enveloppe» خود از ریشه «Volver» است که در قرن دوازده میلادی رایج بوده و «Volver» نیز به نوعی برگرفته از واژه «Volvere» است که در زبان لاتین به معنای «چرخش» می باشد. واژه «Development» به معنی چرخیدن به دور خود، گسترش تدریجی چیزی که شروع شده و حتی حرکت پا در رقص آمده است. (J.picoche.1971.p.132) «توسعه» در لغت به معنای وسعت دادن و فراخ کردن است (معین، ۱۳۷۰). اما توسعه در ادبیات امروز جهان واژه ای است با معنا و مفاهیمی گسترده که در تمام امور عمومی جامعه جای خود را باز کرده است. جمع آوری مجموع نظرات صاحب نظران در باب مفهوم توسعه امری است دشوار، چرا که هر اندیشمند و نظریه پرداز، برداشت و تعریفی خاص ارائه داده است. و هر کدام بر یکی از وجه این فراگرد انگشت گذاشته اند. در حالی که اقتصاد دانان افزایش درآمد سرانه را هدف قرار می دهند، جامعه شناسان به افزایش میزان مشارکت و دگرگونی نهاد های قدرت در جامعه اشاره دارند و روانشناسان به انعطاف پذیری ذهنی و همد کلی و انگیزه یک موفقیت توجه نشان می دهند، زیرا فرد هدف آن هاست.

روانشناسان معتقدند جامعه ای توسعه پیدا می کند که افراد آن ظرفیت کشف اسرار طبیعت و به کارگیری دانش برای تامین زندگی بهتر را داشته باشند. از دید برخی دیگر از دانشمندان توسعه زمانی تحقق پیدا می کند که انسان ها مهارت های کافی برای زندگی کردن در جامعه پیچیده را پیدا کرده باشند و با کسب مهارت های فنی بتوانند فناوری روز را به کار گیرند. همچنین با یافتن مهارت های فرهنگی و اجتماعی بتوانند خود را با اوضاع و احوال پیچیده جامعه امروز انطباق دهند. بنابراین توسعه را قبل از هر چیز فراگرد

یادگیری می دانند. دانشمندان علوم ارتباطی نیز به گسترش شبکه اطلاعات و ارتباطات جامعه اهمیت می دهند و آن را یکی از پیش شرط های هر نوع توسعه می دانند زیرا معتقدند که اساس جامعه امروز بیشتر بر اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته است. با این مقدمه کوتاه در ذیل سعی شده تا تعاریفی چند از صاحب نظران و متفکران مختلف ارائه شود:

✓ مایکل تودارو<sup>۱</sup>: توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهاد های ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیاز های متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می یابد. (تودارو، ۱۳۶۶، ص ۱۳۵).

✓ دادلی سیرز<sup>۲</sup>: توسعه جریانی چند بعدی است که تجدید سازمان و سمتگیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. به عقیده وی توسعه، علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و برداشت های مردم است. توسعه در بسیاری از موارد عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد. (از کیا، ۱۳۷۷، ص ۸)

✓ پیتر دونالدسن<sup>۳</sup>: توسعه ایجاد تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، گرایش ها و نهادها برای تحقق کامل اهداف جامعه است. (دینی، ۱۳۷۰، ص ۸۵)

✓ بروگفیلد<sup>۴</sup>: توسعه عبارت است از پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و کاهش نابرابری. (لهسایبی زاده، ۱۳۸۱، ص ۹)

✓ گونار میردال<sup>۵</sup>: توسعه یعنی فرآیند دور شدن از توسعه نیافتگی، یعنی رهایی از چنگال فقر. راه رسیدن بدین مقصود و شاید آن چه که عملاً موجب کامیابی در این راه شود عبارت است از برنامه ریزی به منظور توسعه است. (از کیا، ۱۳۸۷، ص ۲۶)

✓ میسرا<sup>۶</sup>: محقق و صاحب نظر هندی که در تعریف توسعه بر ابعاد فرهنگی تاکید داشته است. به نظر او توسعه از دستاورد های بشر بوده و پدیده ای با ابعاد مختلف است. توسعه دستاورد انسان محسوب می شود و در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است. بنابراین توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش های فرهنگی خود است. (از کیا، ۱۳۸۷، ص ۲۶)

✓ ریچارد پیت<sup>۷</sup>: توسعه در مفهوم قوی خود، به معنای استفاده از منابع تولید جامعه جهت بهبود شرایط زندگی فقیرترین افراد است. به بیان دیگر، توسعه به معنی بهبودی در مجموعه شرایط بهم پیوسته طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. (پیت، ۱۳۸۴، ص ۱۵)

<sup>1</sup> Michael Todaro

<sup>2</sup> Dudley sears

<sup>3</sup> peter Donaldson

<sup>4</sup> Brogfild

<sup>5</sup> Gonar Mirdal

<sup>6</sup> Misera

<sup>7</sup> Richard peet

✓ فریدمن<sup>۱</sup>: توسعه، یک روند خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی است. (قره باغیان، ۱۳۷۲، ص ۷)

در یک جمع بندی می توانیم نتیجه بگیریم که توسعه واژه ای پیچیده و چند بعدی است که از نظر مفهومی با تغییرات و تحولات تاریخی فراوانی مواجه بوده است. لذا برخی فرآیند توسعه را نوعی مهندسی اجتماعی قلمداد کرده اند. امروزه تلقی ما از مفهوم توسعه، فرآیند همه جانبه است که معطوف به بهبودی تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه به عنوان لازم و ملزوم است. بنابراین توسعه عبارت است از تغییر در ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بگونه ای که نه تنها رشد کمی جامعه را به همراه داشته باشد بلکه تغییرات کیفی در شیوه های زندگی، رفاه اجتماعی، بالندگی فرهنگی، زیر ساخت های اقتصادی و... را فراهم آورد. (دعایی، ۱۳۸۵، ص ۷)

### توسعه اقتصادی

درباره تعریف توسعه اقتصادی وحدت نظر کامل بین علمای اقتصاد وجود ندارد. اشکال در تعریف از این مسئله ناشی می شود که عوامل متعددی مانند سرمایه گذاری، نیروی انسانی، فناوری، منابع طبیعی و فرهنگ و موسسات اجتماعی در توسعه و رشد اقتصادی کشور موثر است و علمای مختلف سعی می کنند بر حسب اهمیتی که برای هر یک از این عوامل قائل می شوند توسعه اقتصادی را تعریف نمایند. در ذیل به مواردی چند اشاره می کنیم:

✓ ژوزف شومپتر<sup>۲</sup>: توسعه اقتصادی در برگیرنده بکارگیری ترکیبات جدیدی چون معرفی یک کالای جدید، معرفی یک روش جدید تولید، دستیابی به بازارهای جدید، دستیابی به یک ماده جدید و ایجاد سازمان های جدید است. این ترکیبات جدید وقتی صورت می گیرد که در آن جامعه نوآوری و ابداعات جریان داشته باشد. تکنولوژی، نوآوری و ابداعات موتور توسعه هستند. پیش نیاز توسعه در گرو طبقه ای است به نام «انترپرنور» یا کار آفرین خلاق که نوآور و صاحب ابتکارند. از این رو لازم است جو و فضای اجتماعی، آن چنان ارزش ها و باورهایی را در خود جای داده باشد که این طبقه کارآفرین خلاق بتواند زاده و تکامل یابد. از تولد و تکامل این طبقه، تولد و تکامل توسعه اقتصادی فراهم می شود (Schumpeter, 1967).

✓ فرانسوا پرو<sup>۳</sup>: توسعه اقتصادی را ترکیبی از تغییرات روحی و اجتماعی ملتی می داند که در نتیجه این تغییرات بتواند محصول حقیقی ناشی از اقتصاد و تولید خود را به طور جمعی، پیوسته و مداوم افزایش دهد. (ستاری فر، ۱۳۷۴)

✓ چارلز کیندل برگر<sup>۴</sup>: توسعه اقتصادی بر مبنای تولید بیشتر و پدید آمدن تحول در چگونگی تولید و بر تجدید نظر در تخصیص منابع و نیروی کار به شعبه های مختلف تولید استوار است. (کیندل برگر، ۱۳۷۱)

✓ پیتر دورنر<sup>۵</sup>: توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری که برای جلوگیری از فقر، ضروری می باشد. و تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه اقتصادی هستند. (از کیا، ۱۳۸۷، ص ۴۴)

✓ مک لوپ<sup>۶</sup>: توسعه اقتصادی عبارت است از کاربرد منابع تولیدی به نحوی که موجب رشد بالقوه مداوم درآمد سرانه در یک جامعه بشود. (باهر، ۱۳۶۹، ص ۱۳)

<sup>4</sup> Friedman

<sup>2</sup> schumpeter

<sup>1</sup> F.Pero

<sup>2</sup> Ch.Berger

<sup>3</sup> p.Dorner

<sup>4</sup> M.Loap

- ✓ لوئیس<sup>۱</sup>: توسعه اقتصادی فرآیندی است که موجب افزایش تولید سرانه شاغلین نیروی کار در بلند مدت می شود. (دعائی، ۱۳۸۵، ص ۸)
- ✓ می<sup>۲</sup>: توسعه اقتصادی فرآیندی است که به موجب آن، درآمد واقعی سرانه در یک کشور و در دورانی دراز مدت افزایش می یابد. (می، ۱۹۷۳، ص ۹)
- ✓ بلک<sup>۳</sup>: توسعه اقتصادی دستیابی به برخی اهداف مطلوب نو سازی مانند افزایش بازده تولید، ایجاد برابری های اقتصادی و اجتماعی، کسب دانش، فن، مهارت جدید، بهبود وضع نهاد ها و یا دستیابی به یک نظام هماهنگ از خط مشی ها و سیاست های گوناگون که توان بر طرف سازی انبوهه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را دارا باشد، است. (بلک، ۱۹۶۶، ص ۵۵)
- ✓ هیگنز<sup>۴</sup>: توسعه اقتصادی فرآیندی است که اقتصاد را از یک دوگانگی (سنتی و مدرن) به یک اقتصادی مدرن برساند. (دعائی، ۱۳۸۵، ص ۸)
- ✓ میردال<sup>۵</sup>: توسعه اقتصادی حرکت یک نظام هماهنگ و یکدست اجتماعی به سمت جلو می باشد (میردال، ۱۹۶۸، ص ۱۸۶)
- ✓ کنتز: توسعه اقتصادی افزایش ظرفیت های تولیدی و تنوع در تولیدات یک جامعه در بلند مدت است. (دعائی، ۱۳۸۵، ص ۸)
- «توسعه اقتصادی» عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی، در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهاد های اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش ها تغییر خواهد کرد، توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز نو آوری جدیدی انجام خواهد شد. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه به دلیل وابستگی اش به انسان، پدیده ای کیفی است (بر خلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) و هیچ محدودیتی ندارد. (سلیمی فر، ۱۳۸۲، صص ۱۹-۱۴)
- و نهایتاً این که، توسعه اقتصادی فرآیندی است که طی آن مبانی علمی و فنی تولید از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول شوند (عظیمی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۸)
- و برای ایجاد آن لزوماً باید شبکه ای به هم پیوسته، متشکل از مجموعه محصولات و در آمد ها، با توجه به منابع و تمام موجودی های داخلی و با در نظر گرفتن وابستگی های متقابل با دیگر کشور ها پدید آورد و با ایجاد تغییراتی در زمینه های تولیدی، توزیع و الگو های مصرف جامعه باعث کاهش نابرابری های اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد ملی و بهبود سطح رفاه و زندگی مردم یک جامعه شود. (از کیا، ۱۳۸۷، ص ۴۵)
- توسعه اقتصادی با رشد اقتصادی، که فقط بر افزایش مادی کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه در یک دوره معین تأکید دارد، متفاوت است. توسعه اقتصادی پدیده ای «عام تر» از رشد اقتصادی است و جنبه های کمی و کیفی جامعه را دربر میگیرد.
- توسعه اقتصادی عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه، که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است و از دستیابی به غایات مطلوب نو سازی اقتصادی فراهم می آید (قدیری معصوم، ۱۳۷۹).

<sup>5</sup> Lewis

<sup>1</sup> Meier

<sup>2</sup> Black

<sup>3</sup> Higgenz

<sup>4</sup> Myrdal

مفهوم عملیاتی توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی با تغییرات بنیادین در اقتصاد کشور همراه است که با توجه به تغییرات فوق شاخص های آن که عبارتند از: (نرخ رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی (GDP) تولید ناخالص ملی (GNP، در آمد ملی) که در این تحقیق مورد سنجش و بررسی قرار می گیرند.

### توسعه اجتماعی و شاخص ها

از توسعه اجتماعی تعاریف و تعبیر متفاوتی در منابع موجود به کار رفته است که معرف رویکردهای متفاوت می باشد. رویکرد اول شامل دو نوع رهیافت عام و خاص است. در رهیافت عام، مفهوم توسعه اجتماعی به مثابه یک کلیت دارای ابعاد مختلف است که سنجش آن نیاز به سنجش تمامی ابعاد زیرمجموعه های آن دارد. در رهیافت خاص، توسعه اجتماعی بیشتر بر یک یا چند بعد مختصر تأکید کرده و اهمیت آن ابعاد را در فرایند توسعه اجتماع برجسته ساخته است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲). در رویکرد دوم، نگاهی ایدئولوژیک به توسعه اجتماعی وجود دارد که بر دیدگاه های رفاه گرا و مارکسیستی استوار است.

• توسعه در معنای لغوی معادل کلمه انگلیسی Development به معنی بسط دادن، گسترش یافتن و امثالهم است ولی در ادبیات اقتصادی و اجتماعی معنای خاصی دارد. توسعه به ابعاد مختلفی تقسیم می شود که توضیح مختصری از آنها مناسب به نظر می رسد. جرالدمی<sup>۱</sup> می گوید «توسعه عبارت است از فرایندی که به موجب آن، در آمد واقعی سرانه یک کشور در دورانی طویل المدت افزایش یابد» (جیروند، ۱۳۶۶: ۸۳). توسعه اقتصادی عبارت است از، ترکیبی از تغییرات روحی و اجتماعی جمعیت، که در اثر این تغییرات، محصول حقیقی ناشی از تولید به طور مستمر افزایش یابد (پازوکی، ۱۳۵۵: ۲۹). بطور کلی توسعه اقتصادی عبارتست از پیشرفت مستمر و همه جانبه در تمام ابعاد یک کشور (از کیا، ۱۳۶۵: ۷). اصولاً باید بین دو اصطلاح توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی تفاوت قایل شد: رشد اقتصادی مفهومی کمی است، در حالی که توسعه اقتصادی مفهومی کیفی است. رشد اقتصادی به تعبیری عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP)، رشد اقتصادی محسوب می شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی تغییر قیمتها (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه ای را نیز از آن کسر نمود. مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد. کشورهای پیشرفته (توسعه یافته) و کشورهای عقب مانده. با خاموش شدن جنگ جهانی دوم و شکل گیری نظامی عمومی در جهان (در کنار به استقلال رسیدن بسیاری از کشورهای مستعمره ای) این شکاف به خوبی نمایان شد و ملل مختلف جهان را با این سؤال اساسی مواجه ساخت که چرا بعضی از مردم جهان در فقر و گرسنگی مطلق به سر می برند و بعضی در رفاه کامل؟ از همین دوران اندیشه ها و نظریه های توسعه در جهان شکل گرفت و مکاتبی چون نظریه تکاملی، نظریه وابستگی و نظریه نوسازی مطرح شد. یکی از مهمترین ابعاد توسعه، توسعه اجتماعی است. توسعه اجتماعی از دیدگاههای متفاوت معناهای مختلفی را داراست از جمله: گذر از جامعه سنتی به صنعتی یا مدرن از طریق تقسیم کار که در نظر دورکیم مطرح بود (دورکیم، ۱۳۹۲) و دیگرانی که آن را به معنی سرمایه اجتماعی، هویت انسانی، عقلانیت، ارتباط، اعتماد، انسان بودن و غیره می گرفتند. در ایران این مفهوم با شاخص های هویت و اعتماد اجتماعی بیشتر مد نظر بود. توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ به معنی مبارزه با فقر مطرح شد که مسئولیت اصلی مقابله با فقر به عهده دولتهای ملی و نظارت آن

<sup>1</sup> Gerald Meier

بر عهده اجتماع بین المللی گذاشته شده بود<sup>۱</sup>. این نظارت در بیانیه ژنو بر رعایت حقوق بشر بخشودگی بدهی های خارجی کشورهای فقیر، تجارت خارجی کشورها، سرمایه گذاری در بخشهای اجتماعی و نقش بانک جهانی تأکید داشت. شاخص های توسعه عبارت بود از: دسترسی به خدمات آموزشی، درصد جمعیت با سواد، طول عمر، میزان مرگ و میر نوزادان، سوء تغذیه و تغذیه مناسب، سطح بهداشت و کنترل بیماری ها، مسکن مناسب، برابری زن و مرد و... مهم ترین موضوع از این نظر توسعه انسانی و آن هم در عمل به معنی مقابله با فقر و نابرابری است که باید با سیاستگذارهای اجتماعی تأمین شود.

• شاخص های اصلی توسعه اجتماعی عبارتند از:

۱. مسایل جمعیتی
۲. مسایل آموزشی
۳. مسایل شغلی
۴. مسایل زناشویی
۵. مسایل بهداشتی - درمانی
۶. مسایل ورزشی
۷. مسایل مربوط به مشارکت های اجتماعی - فرهنگی
۸. مسایل مربوط به مشارکت سیاسی
۹. کتاب و کتابخوانی
۱۰. مطبوعات و رسانه های همگانی (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۵)

به طور کلی توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی پروسه توسعه و بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقا کیفیت انسان ها می باشد (موسایی، ۱۳۹۰).

### مفهوم عملیاتی توسعه اجتماعی

این مفهوم بسیار گسترده تر از توسعه اقتصادی است و ایده و اهداف گسترده تری را دنبال می کند. توسعه اجتماعی بیانگر پدیده بهزیستی کلیه افراد جامعه است که به صورت کیفی می باشند. با توجه به کیفی بودن شاخص های توسعه اجتماعی برای اندازه گیری این شاخص ها که عبارتند از: (میزان ازدواج - طلاق - نرخ بار تکلف - دسترسی به امکانات بهداشتی، آموزشی - امنیت، امید به زندگی، نرخ مرگ و میر کودکان و....) که با روش های آماری و ریاضی تبدیل به متغیرهای کمی و سپس مورد سنجش قرار می گیرد.

### نتیجه گیری

در جهان روبه رشد امروز اهمیت شناخت عوامل مؤثر در رشد و توسعه کشورها، انکارناپذیر است، شناخت عوامل مؤثر در توسعه و میزان اثربخشی آنها می تواند گامی مهم در جهت تسریع رشد و توسعه باشد. یکی از این عوامل مؤثر که باید مورد بررسی و شناخت قرار گیرد سرمایه انسانی است. تاریخ گواه است که انسان در مسیر تمدن خویش، سه گذر اصلی نموده که هر یک از این مراحل گذر نمایانگر قدرت تمدن و افزایش تسلط بر محیط به واسطه گسترش دانش می باشد. در دورانی وسعت زمین ها و توسعه کشاورزی، سپس کارخانه ها و صنایع و در حال حاضر نیز گسترش روز افزون دانش و اطلاعات از اساسی ترین پایه های تمدن در هزاره سوم محسوب می گردند.

<sup>1</sup> <http://www.un.org/esa>

روند رو به رشد استفاده از فراورده های تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی با سرعتی غیرقابل باور جوامع توسعه یافته را در هم نوردیده است و تشعشعات آن به دیگر کشورها نیز ساطع شده است و ضمن برانگیختن حساسیت دولتمردان و متخصصان امر، آنرا به موضوعی با اهمیت در گستره جهانی تبدیل نموده است. چنانکه کستلز نیز بیان داشته است "روند کنونی تحول تکنولوژیک به دلیل توانایی اش در ایجاد فصل مشترک بین عرصه های تکنولوژی از طریق زبان مشترک دیجیتال که در آن اطلاعات تولید، ذخیره، بازیابی، پردازش و منتقل می شود با شتاب فراوان گسترش می یابد. ما در جهانی زندگی می کنیم که به تعبیر نیکلاس نگروپونته دیجیتال شده است" (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۵).

آنچه مهم است فراگیری و رقابت بانکهای کشور در تجهیز به تکنولوژی نوین ارتباطی و اطلاعاتی جدید و و متمر ثمر بودن آن و استفاده از این تکنولوژی نوین در جهت حرکت به سمت توسعه و یا توسعه یافتگی بیشتر است. چرا که میتواند با جدا نمودن محتویات از محل فیزیکی شان به توزیع اطلاعات و دانش کمک نماید چنانچه امروزه کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه نیافته و محصور با اتصال به شبکه های جهانی میتوانند یکپارچه شوند. بطور ثنوریک می تواند امکان دسترسی کلیه آحاد بشر به اطلاعات، دانش و فرهنگ را فراهم سازد.

بنابراین با استفاده بهینه و کاربرد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در بانکداری و منفک شدن از بانکداری دستی و سنتی می توان دستیابی<sup>۱</sup> به توسعه را فراهم نمود.

در جهان امروز تکنولوژی و نوآوریهای تکنولوژیکی، مهمترین منبع برای خلق ثروت و رشد اقتصادی به شمار می روند. توسعه سریع در تکنولوژی، اگر به طور مناسب و به موقع باشد، به توسعه اقتصادی یک کشور کمک می کند. کشوری که در استفاده از تکنولوژیهای جدید، شکست می خورد و یا حتی در پیاده سازی آنها تاخیر میکند، در پشت سردیگران قرار می گیرد. اقتصاد جدید تحت تاثیر انقلاب الکترونیکی، کامپیوترها، شبکه های کامپیوتری و توسعه اینترنت قرار گرفته است.

ورود تکنولوژی اطلاعات و اینترنت به عرصه مبادلات مالی، ضمن تسهیل این مبادلات، تا حد زیادی از میزان هزینه های مالی کاسته است. به همین دلیل تمام بانک های بزرگ دنیا به دنبال ورود هر چه سریع تر و جدی تر در بازارهای مبادلات الکترونیکی و ارائه خدمات بانکی از طریق اینترنت به مشتریان خود هستند.

بانکداری الکترونیک عبارت است از انجام کلیه امور مربوط به بانکداری در یک فضای الکترونیکی که از طریق آن دسترسی مشتری به بانک بسیار سریع، راحت، در تمام شبانه روز و بدون توجه به موقعیت مکانی و زمانی وی انجام می شود. از طرف دیگر بانک ها هم می توانند خدمات خود را با کارآیی بیشتر و هزینه های کمتری ارائه دهند.

بانکداری الکترونیکی یکی از نشانه های جامعه مجازی آینده است و منافع قابل توجهی برای مشتریان در زمینه های سهولت و هزینه تعاملات بانکی به همراه دارد. ولی در کنار این منافع چالشهای جدی را برای مقامات کشوری در تنظیم و کنترل سیستم های مالی و طراحی و اجرای سیاست های کلان اقتصادی بوجود می آورد. بانکداری الکترونیکی مدت طولانی بصورت ماشین های خودپرداز و دریافت خدمات از طریق تلفن رایج بود و اخیرا با گسترش اینترنت تغییر شکل یافته و بصورت یک شبکه جدید انجام خدمات بانکی ارائه می شود. بانکداری الکترونیکی مقایسه خدمات و محصولات بانک های مختلف را برای مشتریان آسان می سازد و به افزایش رقابت بین بانکها می انجامد و به بانکها امکان می دهد به بازارهای جدید نفوذ کرده کشورهای بهره بردار از فناوریهای ارتباطات و اطلاعات در دره کشورهای در پی توسعه این فناوریهاست. باین توضیح می توان اذعان داشت که هنوز کشور ما در برنامه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در گام های ابتدایی به سر می برد و نیازمند آن است که برای توسعه بانکداری الکترونیکی در ابتدا بسترهای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را فراهم کند. گسترش زیرساختهای ارتباطی مناسب می تواند در تلفیق سیستمهای بانکی با ابزارهای

<sup>1</sup> Access

الکترونیکی موثر باشد. توسعه ابزارهای سخت افزاری و نرم افزاری در زمینه بانکداری الکترونیکی مثل دستگاههای خودپرداز، سیستم های تلفنی دیجیتال، کارتهای اعتباری، کارتهای هوشمند... تهیه و تدوین چهارچوب های قانونی و نظام مند کردن بانکداری الکترونیکی و گسترش فرهنگ عمومی نسبت به مسئله بانکداری الکترونیکی از جمله مواردی هستند که برای توسعه بانکداری الکترونیکی در ایران مورد نیازند. اما مشکلات توسعه بانکداری الکترونیکی در ایران کدامند؟ (کهزادی، ۱۳۸۰، ص ۲۱)

## منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی؛ مبارکی، مهدی؛ شهبازی، زهره. (۱۳۹۱). بررسی و شناسایی شاخص های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی)، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، سال اول، شماره اول
۲. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). جامعه شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
۳. ازکیا، مصطفی و همکاران. (۱۳۸۴). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی. تهران: نشر اطلاعات.
۴. ازکیا، مصطفی و همکاران. (۱۳۹۵). رهیافت ها و روشهای تحقیق کیفی در توسعه روستایی، تهران: نشر نی
۵. تودارو، مایکل (۱۳۷۱)، توسعه اقتصادی جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
۶. جونز، جی. اف و پند، آر. اس. (۱۳۸۷). توسعه اجتماعی از طریق دگرگونی نهادی، توسعه اجتماعی، جمعی از مترجمان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. جی نیل و اسل سر (۱۳۹۵). جامعه شناسی اقتصادی، ترجمه محسن کلاهیجی، تهران: انتشارات کویر.
۸. ریگن، چارلز (۱۳۹۰). روش تطبیقی فراسوی کمی و کیفی، محمد فاضلی، تهران: انتشارات آگاه.
۹. سریع القلم، محمود. (۱۳۹۱). عقلانیت و توسعه یافتگی ایران، تهران: نشر فرزاد روز.
۱۰. سیف الهی، سیف اله (۱۳۹۰)، جامعه شناسی توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران: زمینه ها، موانع و تنگناها، تهران، انتشارات جامعه پژوهان سینا، چاپ اول
۱۱. شاه حسینی، معصومه. (۱۳۹۳). سطح بندی توسعه استان های کشور با استفاده از شاخص های رفاه اجتماعی بین سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی
۱۲. شمعاندانی حق، علی. (۱۳۸۰). ابعاد روش شناختی توسعه اجتماعی (شاخص های کمی و کیفی)، اولین همایش توسعه اجتماعی، برگزار کننده دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. صرافی، مظفر. (۱۳۷۹). مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، چاپ دوم.
۱۴. فاضلی، علی اکبر؛ غفرانی، محمدباقر (۱۳۷۴). نقش آموزش عالی دولتی در ایران. مجله شریف. دوره ۱۱، شماره ۱۱، ص ۱۲-۳
۱۵. فتحی سروش، مختارپور مهدی (۱۳۹۶) برآورد مدل تاثیر گذاری ابعاد اعتماد اجتماعی بر توسعه محلی و منطقه ای از نگاه ساکنین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نشریه: نگرش های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی) زمستان ۱۳۹۶، دوره ۱۰، شماره ۱؛ صفحه ۶۷ تا صفحه ۹۱.
۱۶. فتحی سروش (۱۳۹۳) عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه فضاهای شهری تهران نشریه: مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری) بهار ۱۳۹۳، دوره ۴، شماره ۱۰؛ صفحه ۱۴۳ تا صفحه ۱۶۴.
۱۷. فتحی سروش، مطلق معصومه (۱۳۸۹) رویکرد نظری بر توسعه پایدار روستایی مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) نشریه: نگرش های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی) بهار ۱۳۸۹، دوره ۲، شماره ۲؛ صفحه ۴۷ تا صفحه ۶۶.
۱۸. فتحی سروش، نوبخت رضا، کریمیان حبیب اله (۱۳۹۳) تاثیر شهرک های صنعتی بر توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران (مورد مطالعه منطقه عشایری مسجد سلیمان) نشریه: مطالعات توسعه اجتماعی ایران زمستان ۱۳۹۳، دوره ۷، شماره ۱ (مسلسل ۲۵)؛ صفحه ۱۱۱ تا صفحه ۱۲۶.
۱۹. فتحی سروش، قابل رحمت فاطمه (۱۳۹۵) شهروند مداری پیش درآمدی بر توسعه ی اجتماعی شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید پردن) نشریه: مطالعات توسعه اجتماعی ایران بهار ۱۳۹۵، دوره ۸، شماره ۲ (مسلسل ۳۰)؛ صفحه ۱۲۷ تا صفحه ۱۳۷.
۲۰. فتحی سروش، مختارپور مهدی (۱۳۹۵) ارزیابی میزان تاثیر مهارت های شهروندی بر ارتقای توسعه اجتماعی (مورد مطالعه: مناطق ۳، ۷ و ۱۴ تهران) نشریه: مطالعات توسعه اجتماعی ایران زمستان ۱۳۹۵، دوره ۹، شماره ۱ (مسلسل ۳۳)؛ صفحه ۸۷ تا صفحه ۱۰۳.
۲۱. فیروزآبادی، سیداحمد؛ حسین، سیدرسول و قاسمی، روح اله. (۱۳۸۹). مطالعه شاخص ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی، نشریه رفاه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۷: ۵۷-۹۳



۲۲. کاظمی، شهین و اکبری، مجید. (۱۳۹۴). بررسی شاخص های توسعه یافتگی استان های کشور با تأکید بر استان آذربایجان شرقی، اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی، شیراز، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
۲۳. کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیمان؛ مقدم سلیمی، فرشید (۱۳۹۳). توسعه اجتماعی چشم انداز جهانی و وضعیت ایران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۴. موسایی، میثم. (۱۳۹۰). رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی، راهبرد، شماره ۲۰، ص ۹۷-۱۱۷.
۲۵. میرغفوری، سیدحبیب اله؛ طحاری مهرجردی، محمدحسین و بابایی، حمید. (۱۳۸۹). شناسایی وضعیت توسعه یافتگی و رتبه بندی استان های کشور از لحاظ دسترسی به شاخص های بخش کتابخانه ای، نشریه کتابخانه ای و اطلاع رسانی، دوره ۱۳ شماره ۳ (مسلسل ۵۱): ۲۴۳-۲۷۰

1. Bannerjee, K. (2001). Social development index (2010) in India: social development report, 2010: the land question and the marginalized, ed. Manoranjan, Mohanty, Oxford university press, New Dehli, 259-293
2. MacFarland, C. Jacobs, G., Cleveland, R. (1999). Social development theory in: [www//social development/theory](http://www/socialdevelopment/theory).
3. Mazmard, Krishna, (2008). An analysis of causal flow between social development and economic growth: the social development index. American journal of economics and sociology, 3-53
4. Myrdal. G. (1990). Economic theory and under developed region, New York, Pantheon, pp. 186
5. Parnes, H. (1990). Forecasting education needs for economic and social development, OECD, Paris
6. UNCRD (1988). Regional development dialogue. International journal publishing high quality, vol.7. No.1. p 32-36.